



لشکر ۳۳ المهدی (عج) در عملیات کربلای ۴

سردار سرتیپ محمدجعفر اسدی و تیم همراه

تنظیم: امیرمحمد حکمتیان*

<p>در عملیات کربلای ۴ تیپ ۳۳ المهدی (عج) به‌عنوان یکی از یگان‌های اصلی قرارگاه نوح پس از آغاز عملیات، توانست با عبور از رودخانه اروند در مقابل جزیره مینو، خط دشمن را بشکند اما در ادامه علی‌رغم پیشروی در ساحل غربی اروندرود با حضور چشمگیر نیروهای دشمن مواجه شد. باتوجه به اهمیت نقش این یگان، سردار جعفر اسدی فرمانده لشکر ۳۳ المهدی (عج) به‌همراه چند تن از فرماندهان این لشکر در دومین دوره اردوی انتقال فرهنگ و تجارب دفاع مقدس در بین دانشجویان دوره دافوس دانشگاه امام حسین (ع) در روز چهارشنبه ۱۳۹۵/۰۲/۸ ساعت ۶:۰۰ در یادمان شهدای هویزه به تشریح عملکرد لشکر ۳۳ المهدی (عج) در عملیات کربلای ۴ و ۵ پرداختند.</p> <p>واژگان کلیدی: محمدجعفر اسدی، تیپ ۳۳ المهدی (عج)، انتقال تجارب فرماندهان، دفاع مقدس، دانشگاه امام حسین (ع).</p>	<p>چکیده</p>
---	---------------------

تحلیلی از روند جنگ تحمیلی

تقریباً همه مناطق خشک شد. در اول برج هفت ۱۳۵۹ صدام تهاجم را آغاز کرد. عراقی‌ها ۵ استان ما را درگیر و شهرهایی از کشور ما را اشغال کردند. با عملیات خیلی سریع و حساب‌شده جلو آمدند. در بعضی جاها مثل خرمشهر، پل نادری، حمیدیه و سوسنگرد، مقاومت مردمی شکل گرفت و عراق متوقف شد. در سال اول دفاع مقدس یا روزهای اول جنگ، اصلاً ما را در جنگ راه نمی‌دادند. بنی‌صدر می‌گفت جنگ یک کار تخصصی است، بسیاری از

سردار اسدی فرمانده لشکر ۳۳ المهدی (عج) در ابتدا به‌اختصار درباره شروع جنگ تحمیلی مطالبی را بیان و در این‌باره اظهار کرد: «ما دنبال جنگ نبودیم؛ ما دنبال این بودیم که انقلابمان را به دنیا معرفی کنیم. صدام نوکر سرسپرده غرب، جنگ را علیه ایران آغاز کرد. در سال ۱۳۵۸ سیلی در خوزستان آمد که آب‌گرفتگی زیادی ایجاد کرد و قابلیت مانور زرهی را نداشت. در برج ۶ سال ۱۳۵۹

* کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

اصلی را انجام دهیم. در والفجر ۱ هم موفق نشدیم. آقای رضایی گفت ما یک عملیاتی می‌خواهیم که صد درصد موفقیت‌آمیز باشد؛ چون روحیه برادران به خاطر عدم پیروزی‌ها ضعیف شده بود و عراقی‌ها داشتند روحیه می‌گرفتند. عملیات‌های ما عمدتاً در شب انجام می‌شد. عراقی‌ها با میادین مین و سیم‌خاردار و کمین در شب از ما تلفات می‌گرفتند و در روز با امکاناتی که داشتند به ما حمله می‌کردند و باعث عقب‌نشینی ما می‌شدند. قبل از اینکه عملیات خیبر را انجام دهیم، شهید مهدی باکری منطقه‌ای را در پیرانشهر پیشنهاد داد به نام حاج عمران، که عملیات والفجر ۲ در آنجا اجرا شد. اواسط سال ۱۳۶۲ بود و به تدریج منطقه هور آماده می‌شد. منطقه هور برای عملیات بعدی در نظر گرفته شد و این عملیات هم عملیات خیبر بود. هدف عبور از دجله و فرات و وصل شدن به هورالحمار و در نهایت پیشروی به سمت بصره بود. در عملیات خیبر به‌رغم همه برنامه‌ها، توفیق صد درصد حاصل نشد. در این عملیات، وارد دو جزیره مجنون شمالی و جنوبی شدیم. آتش عراق روی این دو جزیره متمرکز شد. حضرت امام فرمودند این دو جزیره باید حفظ شوند. ما رفتیم و جنگیدیم و جزایر را حفظ کردیم.»

تشریح عملیات کربلای ۴

سردار اسدی در تشریح عملیات کربلای ۴ گفت: «از اول جنگ تا پایان آن، هیچ لشکر یا یگانی نبود که همیشه پیروز باشد. بعضی عملیات‌ها پیروز بود و بعضی هم ناموفق بعضی اوقات یک تصمیم سرنوشت عملیات را عوض می‌کند. در عملیات کربلای ۴ که

جاها خالی بود. فلش کلی جنگ، کل خوزستان بود. در بعضی جاها ارتش ما مردانه جنگید و شهید هم داد؛ ما نباید حق دیگران را ضایع کنیم. امام وحدت بین سپاه و ارتش را می‌خواست. در شروع جنگ، تعداد نیروهای ارتش که در خط مقدم بودند جوابگوی مقابله با تهاجم سنگین عراق نبود. ارتش ۴ عملیات طراحی کرد که موفقیت‌آمیز نبودند. آقای بنی‌صدر در جلسات، سپاه را تحویل نمی‌گرفت. من از تیمسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی ارتش که در خط آمده بودند، خواهش کردم که یک خمپاره ۱۲۰ به ما بدهد. ایشان گفت به دستور بنی‌صدر اجازه این کار را ندارم. بعداً ما متوجه شدیم که بنی‌صدر به ارتشی‌ها ابلاغ کرده بود که حق ندارید حتی یک فشنگ هم به سپاهی‌ها بدهید. از این موضوع بگذریم. به لطف خدا وحدت بین سپاه و ارتش آرام‌آرام شکل گرفت. اولین عملیات موفقیت‌آمیز بعد از فرار بنی‌صدر، عملیات فرمانده کل قوا در دارخوین بود. بعد از آن، عملیات شکست حصر آبادان انجام شد که امام امر فرموده بودند حصر آبادان باید شکسته شود. عملیات‌های موفق و مهمی چون فتح‌المبین، طریق‌القدس، بیت‌المقدس را هم انجام دادیم تا رسیدیم به عملیات رمضان که عدم‌الفتح‌ها شروع شد. سپاه یک‌سری نوآوری در جبهه‌ها کرده بود؛ مثلاً جنگ مهندسی، جنگ در شب، شناسایی در عمق، جنگ در آب کم‌عمق هور، استفاده از حداقل زمان در تهیه امکانات و شگرد فریب دشمن. ابداعات جنگ انقلابی بود. وقتی که عملیات والفجر مقدماتی را اجرا کردیم و موفق نشد، در قرارگاه گفتند برویم عملیات والفجر



سردار محمدجعفر اسدی فرمانده لشکر ۳۳ المهدی (عج) در دوران دفاع مقدس، یادمان شهدای هویزه، اردیبهشت ۱۳۹۵.

از لحاظ نظامی، اروند غیرقابل عبور است و نمی توان از آن عبور کرد. این رودخانه ۴ حرکت دارد و جزرومد هر پلی را از بین می برد و هر لشکری که از یک رودخانه عبور می کند طبق قاعده نظامی باید چهار تا پل داشته باشد تا لشکر را تدارک و رفت و آمد را برقرار بکند، پس این رودخانه غیرقابل عبور است. حالا بچه ها، شناسایی های عملیات کربلای ۴ را انجام داده اند و برای کار مهندسی پیش بینی شده بود بچه های ما یک سرپل در جنوب بصره بگیرند. حتی قرار بود از زیر اروند تونلی زده شود. سرمایه گذاری زیادی شد شناورهای مختلفی در اختیار یگان ها قرار گرفت که توانستیم از این رودخانه عبور کنیم. یک قرارگاه به نام نوح تشکیل شد و ۲ گردان به فرماندهی حاج داود ملکوتی و شهید مرتضی جاویدی از رودخانه عبور کردند و به عمق رفتند. وقتی من به آقای حسین علائی فرمانده قرارگاه نوح، گفتم بچه ها به جاده دوم

مقدمه عملیات کربلای ۵ بود، چند ماه زحمت کشیده شد. باید عبور از اروند انجام می شد. یک وقتی برادر عزیزمان آقای رشید نقشه را جلو یک سرتیپ عراقی که اسیر بود گذاشت و پرسید مگر این شهر آبادان نیست؟ مگر اینجا سیبه نیست؟ مگر اینجا بصره نیست؟ گفت بله. گفت شما ارتش عراق از طرف شلمچه آمدید، بعد در خرمشهر گیر کردید. شهر را دور زدید، روی رودخانه کارون پل احداث کردید و با عبور از کارون آمدید به کوی ذوالفقاری که بیاید وارد آبادان شوید. خب به جای آن، از همانجا از آن طرف رودخانه ارون درود می آمدید این طرف. آن اسیر گفت شما نظامی نیستید. اگر نظامی بودید این سؤال را نمی کردید. این رودخانه غیرقابل عبور است. این رودخانه در همه جای دنیا در کلاس های درس به عنوان رودخانه غیرقابل عبور تدریس می شود.

که این بچه‌های مردم را عقب بیاورم. همین که خواستم وارد قرارگاه بشوم دیدم آقای محسن رضایی دارد با تلفن صحبت می‌کند، یک مقدار که صبر کردم متوجه شدم با سید احمد آقای خمینی دارد صحبت می‌کند و دست آقا محسن می‌لرزد. به خودم گفتم تو یک لشکر داری این قدر فشار روی توست و همه لشکرهایی که دیشب عملیات کردند فشارش روی این مرد است. چند لحظه‌ای ایستادم و برگشتم. با آقا محسن تماس گرفتم و گفتم با همه موضوعاتی که پیش آمده، ما صد درصد آماده‌ایم هر لحظه و هر جور شما خواستید، عملیات کنیم. ایشان حداقل ده دقیقه توی تلفن به من می‌گفت به فاطمه زهرا^(س)، به ما ظلم شده به اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) ظلم شده؛ ما باید جبران کنیم.

آقای رضایی می‌گفت به خون این شهدا، ما باید جبران کنیم و دستورات بعدی عملیات را داد. آن پیروزی لشکر ۵۷ و ۱۹ در پنج‌ضلعی شلمچه راهگشای عملیات کربلای ۵ شد. وقتی دیدیم این مسیر قابل عبور بوده و یگان‌های این قرارگاه عبور کردند، همه یگان‌ها در عملیات کربلای ۵ در منطقه پنج‌ضلعی متمرکز شدند. ما (لشکر ۳۳ المهدی (عج)) آمدیم بین ۱۸ الغدیر و ۲۵ کربلا یک خط گرفتیم.

این یگان‌ها به سرعت آمدند توی منطقه کارهای آماده‌سازی را انجام بدهند و سرمای هوا به‌گونه‌ای بود که دست ما یخ می‌زد، خدا شهید خلیل مطهرنیا را رحمت کند، می‌گفت من خودم باید بروم دستم به خاکریز دشمن بخورد، تا بچه‌ها را به خط ببرم. اجازه دادیم با بچه‌های اطلاعات بروند. به ایشان عرض کردم فقط ارتباطت را با من قطع نکن. یک ده دقیقه ارتباط داشت بعد ارتباط تا صبح قطع شد. تا صبح ما دلهره

رسیدند باور نمی‌کرد که نیروهای لشکر ۳۳ از اروند عبور کرده باشد. سمت چپ ما لشکر ۷ ولی عصر^(عج) بود که آنها هم عبور کردند. ۲ یگان هم در سمت راست، عملیات فریب را در منطقه شلمچه داشتند. دو یگان ۱۹ فجر و ۵۷ ابوالفضل^(ع) کار به رودخانه اروند نداشتند و می‌خواستند تک فریب را در آب‌گرفتنی پنج‌ضلعی انجام دهند که موفق شدند. یعنی به‌طور کلی هم جناح راست و هم جناح

چپ هر دو موفق شدند و جایی که هیچ‌کس فکر نمی‌کرد یگان‌ها عبور کنند اینها عبور کردند و رفتند جلو و تا صبح پیشروی ادامه داشت. هنگام نماز صبح از قرارگاه دستور عقب‌نشینی صادر شد؛ چون در جزیره ام‌الرصاص تلفات زیادی دادیم و موفق به عبور نشدیم. محور اصلی کربلای ۴ همین جزیره ام‌الرصاص بود. مجبور به عقب‌نشینی شدیم، ولی حین عقب‌نشینی تعداد

زیادی از بچه‌ها یا تیر خوردند یا شهید شدند. صبح من خیلی نگران و ناراحت بودم، سوار ماشین شدم و تنهایی به سمت قرارگاه [مرکزی] راه افتادم. حالا خدا از سر تقصیرات ما بگذرد؛ پیش خودم گفتم پیش آقا محسن [رضایی] بروم و هر چه از دهانم دربیاید به ایشان بگویم، دو ساعت زودتر به من اطلاع می‌دادید

سردار اسدی:

صبح روز چهارم دی‌ماه من خیلی نگران و ناراحت بودم، تنهایی به سمت قرارگاه [مرکزی] راه افتادم. پیش خودم گفتم پیش آقا محسن [رضایی] بروم و هر چه از دهانم دربیاید به ایشان بگویم. دیدم آقای محسن رضایی دارد تلفنی با سید احمد آقای خمینی صحبت می‌کند؛ متوجه شدم دست آقا محسن می‌لرزد.



از راست: مهندس کاظم حقیقت مسئول اطلاعات لشکر ۳۳ المهدی^(ع)، سردار محمدجعفر اسدی فرمانده لشکر و سردار لطفالله یداللهی جانشین لشکر، یادمان شهدای هویزه، اردیبهشت ۱۳۹۵.

گفت: «دو نکته مهم درباره شناسایی و اطلاعات وجود دارد؛ یکی تنوع منطقه و دیگری مدیریت منطقه. بحث اول تنوع منطقه است. تنوع منطقه سبب می‌شود که روش‌های شناسایی نیز متفاوت شود. اول باید بفهمیم منطقه کربلای ۴ چه نوع منطقه‌ای است، تپه‌ماهور است یا دشت است یا هور. از جنوب دهانه فاو تا اشنویه، مناطق از تنوع زیادی برخوردارند که این مسئله روش‌های شناسایی را متفاوت می‌کند. زمین آبی یک نوع شناسایی، طراحی، دیدبانی و... لازم دارد و زمین خاکی، کوهستانی و دشت نیز اقتضای خود را می‌طلبد. در دهانه ارونند غیر از موانع و مواضع دشمن، فاصله رودخانه هم متفاوت از سایر جاهاست. در تنوع منطقه باید اول بفهمیم که منطقه کربلای ۴ از کدام نوع منطقه است. در کربلای ۴ سروکار ما با آب است؛ پس باید برنامه‌ریزی را با توجه به این نکته انجام داد. در منطقه کربلای ۴

داشتیم که اینها رفتند و خبری نشد. بعد از نماز صبح اطلاع دادند که آمدند. ما رفتیم توی سنگر دیدیم آقا خلیل نمازش را خوانده و دارد استراحت می‌کند. بعد که صدایش زدم گفتم مرد حسابی مگر من به شما نگفتم ارتباط را با من قطع نکن. گفت من صدای شما را می‌شنیدم، ولی این دست من هر چقدر زور می‌زدم خشک شده بود و هر چه سعی می‌کردم نمی‌توانستم از سرمای هوا شاسی بی‌سیم را فشار بدهم تا جواب شما را بدهم. بچه‌ها این طوری مردانه کار کردند.»

نکات مهم درباره شناسایی و اطلاعات در عملیات کربلای ۴ و ۵

بعد از سخنرانی سردار اسدی و توضیحات ایشان درباره عملیات کربلای ۴ و ۵، مهندس کاظم حقیقت مسئول اطلاعات لشکر ۳۳ المهدی^(ع) نکاتی را درباره شناسایی و اطلاعات بیان کرد. ایشان در این زمینه

دشمن رسیدم؛ نیرویی از دشمن هم آنجا نبود و یک نشانه‌ای هم برای ایشان آوردم. در مجموع، نوع مدیریت این بود که کار می‌دادند و نتیجه می‌خواستند. انتخاب بکن و فرد مناسب را شناسایی بکن و به آن اختیار بده. نوع مدیریت، واگذاری اختیارات زیاد بود. انتخاب کن، کار را واگذار کن، کار را مرحله‌به‌مرحله بخواه و اگر به نتیجه نرسید، عوض کن. مدیریت جنگ، مدیریت خیلی خوبی بود و حاصلش هم آن نتایجی شد که شما در عملیات‌های مختلف شاهدش بودید. در عملیات کربلای ۴ بالغ‌بر ۵ ماه شناسایی کردیم و شناسایی ما اعم از دیداری، شنیداری، مشاهدات و معاینات محلی بود. شناسایی عموماً در این سه بخش یعنی دیداری، شنیداری و معاینات و مشاهدات محلی خلاصه می‌شود. دیدبانی یکی از روش‌های شناسایی بخش دیداری است. ما در منطقه کربلای ۴ دکل‌های ایستگاه ۱۳ را داشتیم. خب آن دکل خیلی بلند بود و من از آن فوری می‌رفتم بالا. شناسایی از وضعیت و استعداد دشمن را انجام دادیم. یک دکل در جزیره مینو داشتیم که بالای آن شناسایی انجام می‌شد. در بخش شنیداری با استفاده از شنود، لحظه‌به‌لحظه بی‌سیم‌های دشمن را رصد می‌کردیم. رصد تغییرات لحظه‌به‌لحظه بود. بخش بعدی، شناسایی مواضع، موانع و معابر بود و گروه‌های شناسایی با انتخاب محور و معبر، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات می‌کردند. بحث بعدی انتخاب محورها و معبرها بود. برنامه‌ریزی انتقال نیرو، سازماندهی و ادامه مرحله‌به‌مرحله، سازماندهی بچه‌های اطلاعات، همکاری با عملیات و مهندسی از جمله موارد مهم بود. مرحله بعد کمک‌های

نیروها با قایق کانو به شناسایی رفتند. نکته‌هایی در این زمینه وجود دارد؛ پاروژدن در مسیر پرسرعت آب و کنترل قایق کانو و حتی موتوری خیلی سخت است. علاوه‌بر نوع منطقه، باید در شناسایی‌ها زمان مناسب را نیز بشناسید. در عملیات والفجر ۸ اگر زمان را رعایت نمی‌کردیم، جان بچه‌ها به خطر می‌افتاد. انتخاب زمان یک مقوله بسیار مهم است.

دومین موضوع مدیریت منطقه است. یک نوع مدیریت امروز در کشور متعارف است که همه‌چیز بخشنامه‌ای است و فرد مدیر براساس بخشنامه ابلاغی خود را تنظیم می‌کند. مدیریت جنگ ما اصلاً بخشنامه‌ای نبود. آقای اسدی فرمانده لشکر، ما را چند ماه قبل از عملیات وارد منطقه می‌کرد و می‌گفت که زمان شما اندک است و از این نقطه تا آن نقطه را باید شناسایی کنید. واقعاً در زمان جنگ این نبود که لحظه‌به‌لحظه مثل مدیریت امروز کشور نگاه کنیم که حالا از بالا چه می‌گویند یا مسئولیت و پاسخگویی ما فقط در جواب بخشنامه‌ها باشد.

شناسایی‌های لشکر ۳۳ در عملیات کربلای ۴

یادم است در عملیات بیت‌المقدس ما محوری را شناسایی کرده بودیم؛ خود سردار قربانی وارد عمل شدند. خب مقداری مشکوک بودند که ما به‌جای اینکه با مواضع اصلی شناسایی را انجام بدهیم، عملاً به کمینی از مواضع دشمن مراجعه کرده بودیم. سردار قربانی با سیاست و کیاستی که داشت، گفت نه، من این را قبول ندارم. می‌گفت بایست در روز بروید و دوباره آن منطقه را شناسایی کنید و یک نشانه‌ای برای من بیاورید. من هم رفتم و به کمین

در کربلای ۴، آمادگی در سطح گردانی و ستادی و پشتیبانی بسیار بالا بود. ما ۲ تا گردان را در عملیات کربلای ۴ وارد عمل کردیم. حدود ۱۸۰ شهید و مفقود و اسیر در این عملیات دادیم. بخش عمده توانایی ما باقی مانده بود که توانستیم در کربلای ۵ از آنها استفاده کنیم. کربلای ۴ و ۵ باید با هم تحلیل شود. کربلای ۴ مقدمه موفقیت کربلای ۵ بود. ما آمادگی بسیار بالایی برای اجرای عملیات کربلای ۴ داشتیم. حالا دلایل ناموفقیتش بماند. امریکا و نوکرانش، آل سعود و دشمنان داخلی، همه اینها تأثیر داشتند. نوع جنگیدن ما در عملیات‌ها واقعاً عاشورایی بود.»

در تکمیل و تأیید سخنان سردار یداللهی، سردار داود ملکوتی نیز توضیحاتی را درباره چگونگی اجرای عملیات کربلای ۴ بیان کرد و گفت: «ما از تجربه‌هایی که از عبور از اروند و والفجر ۸ داشتیم، در عملیات کربلای ۴ استفاده کردیم. گردان ما پراستعدادترین گردان برای کربلای ۴ بود. حدود ۲ ماه آموزش برای نیروها در سد دز و کارون انجام می‌شد و آقای مطهرنیا بر این آموزش‌ها نظارت داشت. روی تخریب، سکان‌داری و حفاظت اطلاعات خیلی کار آموزشی شد. حین عملیات ما استعداد ۴ گروهان نیرو را وارد عمل کردیم و یک گروهان ۹۵ نفره غواص را به سمت دشمن رها کردیم. یک گروهان ۱۰۵ نفر را با قایق از یک نهر جرف وارد کردیم. یک گروهان دیگر هم می‌خواست وارد بشود که نشد. وقتی نیروها را از سیم‌خاردارها و خورشیدی‌ها عبور دادیم، علاوه بر تیرخوردن در همان اوایل عبور از خاکریز، در عمق هم تلفاتی داشتیم. ۲ تا از فرمانده گروهان‌های ما در همان لحظات اولیه شهید شدند. البته برای هر

مهندسی بود که بچه‌های مهندسی با کمک اطلاعات و عملیات اقدام به احداث خاکریز و سنگر می‌کردند. نتایج این مباحث شناسایی را در عملیات کربلای ۴ بگویم. در کربلای ۴، چهار محور داشتیم. در محور لشکر ۳۳ المهدی (عج)، ۲ محور انتخاب شد. از این دو محور ۲ معبر انتخاب شد. [با انجام] دیدبانی، شناسایی مواضع نزدیک دشمن را انجام می‌دادیم. از سوی اطلاعات لشکر المهدی (عج) تک‌تک سنگرها و مواضع دشمن شناسایی شد و موانع را عکس‌برداری کردیم. به صورت روزانه تحرکات و تغییرات دشمن را رصد می‌کردیم. جابه‌جایی‌ها و اضافه‌شدن‌های دشمن را زیر نظر داشتیم. یکی از نتایج عملیات کربلای ۴، نتایج انسانی و معنوی آن بود. یک موضوع که به نظر من سرمایه معنوی است.»

استفاده از تجربیات والفجر ۸ در عملیات کربلای ۴

بعد از توضیحات مهندس حقیقت، سردار لطف‌الله یداللهی جانشین لشکر ۳۳ المهدی (عج)، در سخنانی درباره روند اجرای عملیات کربلای ۴ گفت: «ما در عملیات والفجر ۸ یک تجربه عبور از اروند داشتیم. خب بعد از هر عملیاتی، هم ما سعی می‌کردیم نقاط ضعفمان را بیوشانیم و هم دشمن سعی می‌کرد نقاط ضعفش را بیوشاند. وقتی به منطقه عملیات کربلای ۴ منتقل شدیم، با تجربه‌ای که از عملیات والفجر ۸ در بحث آموزش‌های غواصی داشتیم، روزهای متعددی در کارون آموزش شنا و غواصی داشتیم. اقداماتی که قبل از عملیات‌ها انجام می‌شود سهم بسزایی در پیروزی عملیات‌ها دارد که عمدتاً گفته نمی‌شود. جلسات زیادی در سطح قرارگاه‌ها انجام می‌شد.

